



نقد کتاب ریشه های فقه اسلامی جوزف شاخت اسلام شناس آلمانی

کتاب «در باب ریشه های فقه اسلامی شاخت» توسط محمد مصطفی الاعظمی همچنان که از نامش مشخص و هویداست حاوی نقد کتاب ریشه های فقه اسلامی جوزف شاخت، اسلام شناس آلمانی است.

کتاب «در باب ریشه های فقه اسلامی شاخت» توسط محمد مصطفی الاعظمی همچنان که از نامش مشخص و هویداست حاوی نقد کتاب ریشه های فقه اسلامی جوزف شاخت، اسلام شناس آلمانی است. به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «ریشه های فقه اسلامی (محمدی) the origins of muhammadan jurisprudence» اثر شناخته شده جوزف شاخت، شرق شناس معروف است.

کتاب ریشه های فقه اسلامی در عداد منابع مهم اسلام شناسی قرار دارد و به مثابه بخشی از ادبیات ضروری برای دانشجویان سطوح تکمیلی در رشته های مختلف مطالعات اسلام (به ویژه در مجامع اسلام شناسی غربی) خوانده و مطالعه می شود.

این کتاب پس از سال 1950 به کرات بازنشر یافته است. برخی از این بازنشرها که با ویرایشهای تازه و اعمال اصلاحات نیز همراه بوده است در سالهای 1953، 1959 و 1967 به بازار عرضه گردیده است.

کتاب شاخت، که بیانگر یکی از آثار شاخص در ارایه رویکردهای شرق شناسانه در مطالعات اسلامی است، می کوشد تا درکی تاریخ نگارانه از جریان تطور و فرایند تکامل حقوق و فقه اسلامی به دست دهد.

در راه انجام این مهم وی تلاش نموده است تا علاوه بر توضیح جریان های مختلف فقه اسلامی به رابطه میان دکتربین حقوقی و مناسبات بیرونی و تاریخی پردازد و درکی انضمامی از روابط درجریان در این فقه به دست دهد.

رویکرد شرق شناسانه کتاب که بعدها مورد نقد گسترده برخی از اسلام شناسان معاصر و مسلمان مورد نقد جدی و موثر قرار گرفت، مشخصا در ایده ای که این اثر پیش می کشد قابل مشاهده است. شاخت در این کتاب ادعا می کند که فقه اسلامی تحت تاثیر جدی حقوق رومی قرار داشته است و از آن به جد تاثیر پذیرفته است.

از جمله آثاری که در نقد این رویکرد نگاشته شده است می توان به کتاب «در باب ریشه های فقه اسلامی شاخت» توسط محمد مصطفی الاعظمی اشاره نمود. (این کتاب در کتاب شناخت بعدی معرفی خواهد شد)

وی، ضمن توضیح برخی تفاوت های نظام حقوقی اسلامی و رومی، از ریشه های متفاوت این دو سخن به میان می آورد و مشخصا بستر الهی فقه اسلامی و بستر غیر الهی فقه رومی را نشان می دهد.

کتاب شاخت حاوی چهار بخش مرکزی است. در هر بخش با فصول متعددی بر می خوریم. این بخش های اصلی عبارتند از موارد زیر: بخش اول: توسعه تئوری حقوقی؛ بخش دوم: رشد سنتهای حقوقی؛ بخش سوم: تطورات در دکتربین حقوقی؛ بخش چهارم: توسعه اندیشه حقوقی تکنیکی.

کتاب شاخت با ارایه ایندکسهای مختلف در ارتباط با تاریخ فقه اسلام به پایان می رسد.

کتاب «در باب ریشه های فقه اسلامی شاخت» توسط محمد مصطفی الاعظمی نگاشته شده است که این اثر، هم چنان که از نام آن مشخص و هویدا است، حاوی نقد کتاب ریشه های فقه اسلامی جوزف شاخت، اسلام شناس آلمانی است.

این کتاب حاوی یک مقدمه، دو بخش اصلی که مجموعا حاوی هشت فصل می باشند و دو متمم است. بخش نخست به «حقوق و اسلام» و بخش دوم به «سنت پیامبر و حقوق اسلامی» پرداخته است.

بخش نخست کتاب حاوی مباحث مهمی نظیر جایگاه حقوق در اسلام، نقش پیامبر در حقوق اسلامی و موضع شاخت در باب حقوق اسلامی و نقش پیامبر در آن، حقوق اسلامی در قرن نخست هجری، فعالیت های قضایی پیامبر، مواضع حقوقی و قضاوت ها و ادبیات حقوقی مطرح در قرن نخست است.

در بخش دوم کتاب که بیش ترین مباحث کتاب را در خود جای داده است و حاوی شش فصل از هشت فصل کتاب است به

عرصه هایی از این دست پرداخته شده است: سنت معنا و مفهوم آن (از جمله در توضیح و نقد تئوری ساخت در باب مفهوم اولیه سنت)، اقتدار سنت پیامبر در مکاتب حقوقی قدیمی (از جمله در نقد فهم ساخت از این حوزه)، رشد سنت حقوقی (از جمله در بحث نقد نگاه ساخت در باب احادیث) و نظام اسناد: اعتبار و اصالت آن (از جمله در بحث از رویکرد ساخت به این نظام).

کتاب در فصول اصلی خود به نقد برخی از مهم ترین مواضع ساخت می پردازد و دلایل خود را در ناصحیح دانستن رویکردهای شرق شناسانه وی در باب حقوق و فقه اسلامی عرضه می دارد. از جمله این حوزه می توان به مواضع انتقادی کتاب در باب نگاه ساخت مبنی بر ریشه های غیراسلامی حقوق اسلامی پرداخت. یکی دیگر از رویکردهای انتقادی کتاب به نگرشهای شرق شناسانه ساختی در تاکید آن بر اصالت‌مندی حقوق اسلامی و ارتباط پیوسته آن با پیامبر(ص) قابل مشاهده است. از جمله دیگر نگرشهای نافذانه کتاب به رویکرد ساخت توضیح چندوچون معتبر بودن و نیز اصالت مند بودن سیستم اسناد اسلامی است.

به اعتقاد نویسنده این سیستم زنجیره اعتبار تاریخی احادیث را توضیح می دهد و از اصالت آنها دفاع می کند. الاعظمی می کوشد تا ثابت نماید که نگرشهای ساخت مبنی بر دخالت برخی از طبقات اسناد در این مسیر و به این ترتیب، جعلی بودن بخشهایی از ارجاعات در نظام اسناد احادیث ناصحیح است.